

The critic of free harmony of faculties

Ali Salmani*

Assistant Professor of Graphic, Department of Graphic, Faculty of Art and Architect, University of Bu-Ali Sina, Hamadan, Iran

Abstract

The notion of free harmony of faculties is very important in Kant's aesthetic. Kant puts this notion for reply to this question how we can believe in universality in aesthetic judgment, if we perceive it subjectively. Kant claims that pleasure in aesthetic judgment arises from subjective statue which is called free play or harmony of faculties. Since Kant believes that only cognition is communicable, his efforts to bring in cognitive faculties in aesthetic evaluation, justifies universal validity of aesthetic judgment. Kant cannot clearly explain the notion of free harmony, then some his interpreters effort, by separating this judgment from any concept, and by considering natural and unconscious characteristic for the aesthetic experience, connect the area of cognition with aesthetic and by this justify universality of aesthetic judgment (Precognitive interpretation). Second, interpretation believes in interference conception in aesthetic evaluation. They make efforts to provide direct similarity between cognition and aesthetic. There is no valid document in supporting of tow interpretations. First, interpretation by believing to unconscious characteristic for aesthetic experience cannot depict the distinction between usual objects and aesthetic objects. Second, interpretation by believing to interference of indeterminate conception in aesthetic experience, not only cannot eliminate interest of universality but also generally neglect it.

Key words: Kant, Aesthetics, good, beauty

*alialmani1358@gmail.com

نقد و بررسی دیدگاه پیش‌شناختی و چندشناختی در بحث از هماهنگی آزاد خیال و فاهمه

علی سلمانی*

استادیار گرافیک، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

علت اصلی طرح مفهوم هماهنگی آزاد از سوی کانت، تبیین کلیت احکام ذوقی است. او مدعی است که احساس سوپژکتیو دخیل در داوری زیباشناختی، خود ناشی از حالتی ذهنی به نام بازی آزاد یا همان هماهنگی آزاد قوای شناختی است. از آن رو که او معتقد است تنها شناخت انتقال‌پذیر است، می‌کوشد تا با دخالت دادن قوای شناختی در داوری ذوقی، ادعای اعتبار کلی آن را توجیه و تبیین کند. تلاش کانت برای روشن کردن مفهوم هماهنگی آزاد و نسبت آن با شناخت چندان قانع‌کننده نیست؛ از همین رو برخی از شارحان تلاش می‌کنند تا با زدودن قاطعانه داوری ذوقی از هرگونه مفهوم و لحاظ کردن خصوصیت طبیعی و ناآگاهانه برای تجربه زیباشناختی، به نوعی به شباهت این حوزه با حوزه شناخت، اذعان و از این طریق، کلیت احکام زیباشناختی را تبیین کنند (تفسیر پیش‌شناختی). تفسیر دوم (تفسیر چندشناختی) با اعتقاد به دخالت مفاهیم (و نه مفهوم متعین) در صدد ارائه شباهتی سرراست میان حوزه شناخت و زیباشناسی است تا از این محمل دغدغه‌ای برای کلیت احکام زیباشناختی احساس نشود. نبود دلایل استنادی کافی نقص مشترک هر دو دیدگاه محسوب می‌شود. دیدگاه اول با اعتقاد به نوعی تجربه ناخودآگاه در داوری زیباشناختی تمایز دقیقی میان اعیان معمولی و زیباشناختی ترسیم نمی‌کند. تفسیر دوم با اعتقاد به دخالت مفاهیم نامتعین در داوری زیباشناختی، دغدغه کلیت احکام زیباشناختی را از بین نمی‌برد و نادیده می‌انگارد.

واژگان کلیدی: کانت، اعتبار کلی، هماهنگی آزاد، تفسیر پیش‌شناختی، تفسیر چندشناختی

مقدمه

مفهوم هماهنگی آزاد که در زیر دقیقه سوم نقد قوه حکم ظاهر می‌شود، یکی از مفاهیم کلیدی زیباشناسی کانت است. علت اصلی طرح این مفهوم پاسخگویی به این مسئله است که در صورت مبتنی کردن داوری زیباشناختی به احساس سوژکتیو چگونه می‌توان از کلیت احکام ذوقی سخن گفت. کانت مدعی است که احساس موردنظر خود ناشی از حالتی ذهنی به نام بازی آزاد یا همان هماهنگی آزاد قوای شناختی است. در مواجهه با اعیان زیبا قوای شناختی ما با تمام توان خود حاضر شده و درگیر نوعی بازی آزاد می‌شوند. نتیجه این بازی آزاد رضایت و خشنودی است که حاکی از زیبایی عین موردنظر است. از آن رو که کانت معتقد است تنها شناخت از خاصیت انتقال‌پذیری بهره‌مند است، او تلاش می‌کند تا با قائل شدن نقش برای قوای شناختی در داوری ذوقی، اعتبار کلی آن را توجیه کند و در نتیجه از نسبی (البته به لحاظ اعتبار) که پیش از این با تفکرات اشخاصی چون هیوم گریبان‌گیر این نوع داوری‌ها شده بود، رهایی بیابد. داوری ذوقی می‌تواند ادعای اعتبار کلی داشته باشد؛ زیرا شرط ضروری آن ایجاد نوعی بازی آزاد قوای شناختی است. از آن رو که همه افراد از قوای شناختی یکسانی برخوردارند؛ پس می‌توان به اعتبار کلی این احکام امیدوار بود. تلاش کانت برای روشن کردن مفهوم هماهنگی آزاد و نسبت آن با شناخت چندان قانع‌کننده نیست. از همین رو برخی از شارحان زیباشناسی او تلاش کرده‌اند تا با تکیه بر برخی از عبارات و نظام زیباشناسی او تصویر روشنی از این مفهوم ارائه دهند این مقاله بر آن است تا با طرح دغدغه کلیت احکام زیباشناختی، نخست به چگونگی

طرح مفهوم هماهنگی آزاد در نقد قوه حکم پرداخته و در گام بعد با اشاره به مشکل برقراری نسبت میان زیباشناسی و شناخت (در عین اعتقاد به تمایز آنها)، به تلاش شارحان کانت در تفسیر هماهنگی آزاد بپردازد. در نهایت داشتن یا نداشتن کفایت تفاسیر ارائه شده بررسی خواهد شد.

حکم ذوقی سوژکتیو اما کلی

از نظر کانت احکام زیباشناختی سوژکتیو هستند؛ یعنی مبنای تعیین بخش آن چیزی جز احساس لذت یا الم نیست. حکم ذوقی، حکم شناختی و در نتیجه منطقی نیست؛ بلکه حکمی زیباشناختی است که مبنای ایجابی آن تنها مبنایی سوژکتیو است. احساس لذت و الم به عنوان مبنای ایجابی حکم زیباشناختی دال بر هیچ چیزی در عین نیست (کانت، ۱۳۸۱: ۱۰۰-۹۹). کانت معتقد است که زیبایی و زشتی خصوصیات عینی امور نیست؛ بلکه صرفاً شیوه‌ای را نشان می‌دهد که ما به امور واکنش نشان می‌دهیم. از سوی دیگر او معتقد است که احکام ذوقی مبتنی بر مفهومی از عین نیست؛ بلکه این احکام در مقابل احکام شناختی‌اند. به‌طور کلی حکم ذوقی غیرمفهومی است؛ به این معنا که این حکم با هیچ مفهومی از عین متعین نمی‌شود؛ بلکه همان‌گونه که بیان شد، صرفاً با یک احساس مشخص می‌شود. پس هیچ قانونی وجود ندارد که بتوان براساس آن زیبایی و زشتی شیء را ارزیابی کرد؛ در حالی که احکام شناختی بر مفهومی خاص از یک شیء مبتنی‌اند و این مفهوم حکایت از به‌کارگیری نوعی قاعده است. پس هیچ قاعده‌ای در داوری زیباشناختی وجود ندارد (راجرسون، ۱۳۹۴: ۱۷). احکام زیبایی احکام تجربی معین نیستند؛ زیرا در اندیشه کانت زیبایی

کانت برای حل مشکل بیان‌شده تلاش می‌کند تا در بخش ۹ نقد قوه حکم روشن کند که در حکم ذوقی داوری عین مقدم بر احساس لذت است. از نظر او نکته بیان‌شده کلید نقد ذوق است. برای اینکه لذت حاصل از حکم ذوقی قابلیت انتقال‌پذیری داشته باشد، باید مبتنی بر وضعیتی از قوای شناختی باشد که در همه موجودات انسانی مشترک است (Guyer, 2006: 162). از آن رو که حکم ذوقی به واسطه اندراج عین زیر مفهومی خاص متعین نمی‌شود، پس لذت زیباشناختی نمی‌تواند محصول شناخت معمولی عین باشد؛ بلکه باید از نوعی نسبت و رابطه خیال و فاهمه ایجاد شود که مبتنی بر چنین اندراجی نیست (Ibid). این نسبت، نسبت آزاد است و کانت آن را بازی آزاد و هماهنگ قوای شناختی می‌نامد. این نسبت آزاد یا حالت ذهنی (عمل داوری) هم مسئول لذت و هم مسئول ادعای اعتبار کلی آن است (Ginsborg, 1991: 291).

طرح مفهوم بازی آزاد هماهنگ در نقد قوه حکم

- کانت اولین بار از این مفهوم در مقدمه اول نقد قوه حکم استفاده می‌کند. او در این مقدمه در حالی که

نمی‌تواند مفهوم طبقه‌ای از اشیا باشد. به عبارت دیگر، زیبایی صرفاً به صورت شکل‌بندی خصوصیات تجربی توصیف نمی‌شود؛ زیرا داوری چیزی به‌عنوان زیبا، تا حدی باید همان لذت‌بردن از آن شیء باشد. لذت خصوصیت عینی شیء نیست؛ بلکه واکنش ذهنی یا زیباشناختی به آن است (همان: ۱۷).

با اینکه احکام زیباشناختی مبتنی بر احساس و عاری از مفهوم است، کانت معتقد است که این احکام از نوعی اعتبار کلی برخوردارند. درست است که احکام ذوقی به لحاظ کمیت منطقی احکام شخصی‌اند؛ اما مدعی اعتبار کلی‌اند. در یک حکم ذوقی رضایت از عین به هر کسی نسبت داده می‌شود؛ بی‌آنکه بر مفهومی متکی باشد (کانت، ۱۳۸۱: ۱۱۳). ما در زیباخواندن یک شیء منتظر توافق دیگران نمی‌مانیم؛ زیرا پیش از این بارها با این توافق روبه‌رو شده‌ایم. از همین رو این توافق را از آنان مطالبه می‌کنیم. به دلیل دخالت‌نداشتن مفهوم در حکم ذوقی کلیت این حکم نمی‌تواند کلیتی منطقی باشد؛ زیرا هیچ‌گذاری از مفاهیم به احساس لذت و الم وجود ندارد. پس این نوع کلیت کلیت منطقی نیست و باید آن را کلیت سوپژکتیو یا زیباشناختی نامید (همان: ۱۱۴).

حال چگونه ممکن است حکمی که صرفاً برگرفته از احساس لذت‌بخش نسبت به یک شیء است و عاری از مفهوم، احساس لذت خود را به صورت پیشین از هر سوژه دیگر نیز مطالبه کند؟ پس کانت باید در صدد آشتی‌دادن و سازگارکردن دو خصوصیت سوپژکتیو بودن و کلیت احکام ذوقی باشد (Kuplen, 2013: 18-19).

^۲ پل‌گایز از معروف‌ترین شارحان کانت و متخصص تاریخ زیباشناسی در دانشگاه بران آمریکا است. از جمله آثار ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Kant and the Claims of Taste, Cambridge, Mass: Harvard University Press, 1979

Kant and the Claims of Knowledge, Cambridge: Cambridge University Press, 1987

Kant on Freedom, Law and Happiness, Cambridge: Cambridge University Press, 2000

Knowledge, Reason and Taste: Kant's Response to Hume, Princeton: Princeton University Press, 2008

A History of Modern Aesthetics, 3 volumes, Cambridge: Cambridge University Press, 2014

^۳ هانا گینسبورگ، استاد فلسفه دانشگاه برکلی، یکی از کانت‌پژوهان معاصر است. از مهم‌ترین آثار ایشان می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

The Role of Taste in Kant's Theory of Cognition. New York: Garland Publishing, 1990

^۱ مویکا کاپلن، استاد فلسفه دانشگاه فدرال بوداپست، یکی از محققان حوزه کانت‌شناسی است. مهم‌ترین اثر ایشان در حوزه کانت پژوهی عبارت است از:

Beauty, Ugliness and the Free Play of Imagination, Springer, 2015

حکم زیباشناختی حسی را که صرفاً به دلیل احساسی که در شهود تجربی حاصل می‌شود خوشایند است، از حکم زیباشناختی تأملی متمایز می‌کند. اعلام می‌کند که حکم دوم می‌تواند ادعای اعتبار همگانی داشته باشد؛ زیرا مبنای آن احساس لذتی است که «بازی هماهنگ دو قوه شناخت (خیال و فاهمه) در قوه حکم برای سوژه ایجاد می‌کند» (Kant, f1, viii, 20: 224).

- کانت در نسخه چاپ شده از مقدمه نیز اعلام می‌کند که «لذت زیباشناختی نمی‌تواند حاکی از چیزی غیر از هماهنگی عین مزبور با قوای شناختی باشد که در قوه حاکمه ما مشغول بازی هستند... ادراک صرف صورت‌ها در قوه متخیله هرگز نمی‌تواند صورت بگیرد بدون اینکه قوه حکم تأملی، البته نه از روی قصد، حداقل آنها را با قوه خویش در مربوط کردن شهودها با مفاهیم مقایسه کند (کانت، ۱۳۸۱: ۸۶).

- اصلی‌ترین بخشی که کانت در آن مفهوم هماهنگی آزاد را با توضیح بیشتری طرح می‌کند، بخش تحلیل زیبا زیر عنوان «کلید نقد ذوق» است. از نظر او «شناختی که در اثر این تصور (تصور عین زیبا) به بازی در می‌آیند، در اینجا در یک بازی آزاد قرار دارند؛ زیرا هیچ مفهوم متعین آنها را به قاعده خاصی از شناخت مقید نمی‌کند. بنابراین حالت ذهنی در این تصور باید حالت احساس بازی آزاد قوای مصوره در تصویری معین برای شناخت به‌طور کلی باشد» (همان: ۱۱۸-۱۱۹). او در همین بخش اعلام می‌کند که در حکم ذوقی داوری مقدم بر احساس لذت است. مراد از داوری نوعی حالت ذهنی است که به‌عنوان شرط ذهنی حکم ذوقی، انتقال‌پذیر است و موجب لذت از عین می‌شود. از نظر کانت هیچ

چیزی نمی‌تواند به‌شکل کلی انتقال یابد مگر شناخت و تصور تا جایی که به شناخت تعلق دارد. از همین رو احساس لذتی که مبنای حکم ذوقی است، اگر قرار است به‌صورت کلی معتبر باشد، خودش باید محصول شکلی از داوری یا همان حالت ذهنی بیان شده باشد. در صورت مواجهه با عینی زیبا یا به عبارت دیگر تصویری مشخص، قوای شناختی در بازی آزاد با یکدیگر قرار می‌گیرند. این بازی قوا، آزاد است از آن حیث که هیچ مفهوم معینی آنها را به قاعده خاصی از شناخت محدود نمی‌کند. پس مراد از حالت ذهنی که مقدم بر احساس لذت است آن احساس بازی آزاد قوای مصوره در تصویری معین برای شناخت به‌طور کلی است. کانت معتقد است که حالت ذهن در بازی آزاد بهره‌مند از انتقال‌پذیری کلی است. این بازی آزاد یا نسبت ذهنی برای شناخت به‌طور کلی مناسب است؛ از همین رو باید برای هر کس معتبر باشد؛ چنان که گویی شناخت عینی است (همان: ۱۱۹). عین زیباشناختی متخیله و فاهمه را برای فعالیت برمی‌انگیزد که نامتعیین اما هماهنگ است؛ یعنی فعالیتی که به‌طور کلی برای هر شناختی لازم است. تنها از طریق حس کردن تأثیر بازی بسیار روان دو قوه از هماهنگی آزاد آگاه می‌شویم (همان: ۱۲۱).

- در بخش تذکر کلی که بعد از بحث تحلیل امر زیبا بیان می‌شود، دوباره صحبت از مفهوم هماهنگی آزاد به میان می‌آید. از نظر کانت «ذوق یک قوه داوری درباره عینی در نسبت با قانون‌مندی آزاد قوه متخیله است... اگر قوه متخیله آزاد باشد، می‌تواند هماهنگ با قانون‌مندی فاهمه به‌طور کلی، عمل کند» (همان: ۱۵۱). لحن کانت در این عبارات در مقایسه با عبارات پیشین متفاوت است. او در اینجا بازی آزاد

و اخلاقی متمایز کند و در عین حال مقدمات اثبات اعتبار کلی احکام ناظر بر این تجربه خاص را فراهم سازد. به یاد بیاوریم که خود کانت صریحاً اعلام کرده بود که تنها شناخت می‌تواند انتقال‌پذیر و مدعی اعتبار کلی باشد. پس در نگاه اول ما با یک نتیجه پارادوکسیکال مواجهیم: تجربه زیباشناختی متمایز از شناخت است؛ اما اعتبار کلی دارد. کانت برای رفع این پارادوکس اعلام می‌کند که ذوق می‌تواند توافق دیگران را طلب کند تا آنجا که مبنای آن حالت ذهنی ضروری برای شناخت به‌طور کلی باشد. این حالت ذهنی رابطه قوای تصویری ماست. این ادعا به آن معناست که داوری ذوق مدعی اعتبار کلی است؛ زیرا مبنای آن نسبت میان قوایی است که در درجه اول شناخت را ممکن می‌کند. پس حکم زیباشناختی اگرچه متمایز از حکم شناختی است، به‌نحوی مرتبط با شناخت نیز هست و همین ارتباط است که کلیت آن را تضمین می‌کند (Hughes, 2010:45). این نوع برقراری ارتباط برای کانت مشکلاتی را ایجاد کرده است. همان‌گونه که بیان شد او تلاش می‌کند تا با بیان این امر که در تجربه زیباشناختی فاهمه با شرایط «شناخت به‌طور کلی» وارد بازی می‌شود به نوعی ارتباط این تجربه با شناخت اشاره کند. مشخص نیست که مراد او از این اصطلاح چیست. آیا منظور شناخت در معنای قدیمی آن است که هر نوع شناختی را پوشش می‌دهد یا شرایط کلی شناخت؟ (Ibid,46)

^۱ فیونا هیوز، استاد دانشگاه ایسکس از کانت پژوهانی است که آثار مهمی درباره زیباشناسی کانت منتشر کرده است:

The Reader's Guide to Kant's Critique of Judgement, Continuum Press, 2009.

Kant's Aesthetic Epistemology: Form and World, Edinburgh University Press, 2007.

را در داخل خیال و نه رابطه میان خیال و فاهمه مطرح می‌کند و اعلام می‌کند که این بازی آزاد در داخل خیال تا حدی با قانون‌مندی که مشخصه فاهمه است سازگار است (Guyer, 2006:164). در ادامه بخش گفته‌شده هیچ توضیحی در راستای روشن کردن ماهیت بازی ارائه نمی‌شود.

- آخرین بخشی که در آن مفهوم هماهنگی آزاد تکرار می‌شود فقره ۳۵ است که یکی از مقدمات استنتاج محسوب می‌شود. از نظر کانت حکم ذوقی، قابل ایجاب به وسیله مفاهیم نیست. بنابراین فقط بر شرط صوری ذهنی یک حکم به‌طور کلی مبتنی است. شرط ذهنی همه احکام همان قوه حاکمه است. این قوه برای تصویری که به‌واسطه آن عینی داده می‌شود به هماهنگی دو قوه مصوره نیازمند است؛ یعنی قوه متخیله (برای شهود و تجمیع کثرات این شهود) و قوه فاهمه (برای مفهوم به‌مثابه تصور وحدت این تجمیع). اما چون حکم در اینجا مبتنی بر هیچ مفهومی از عین نیست، فقط می‌تواند قرارگرفتن خود قوه متخیله باشد با شروطی که فاهمه به‌طور کلی برای گذر از شهود به مفاهیم نیاز دارد (کانت، ۱۳۸۱: ۲۱۶). کانت در این عبارات اذعان می‌کند که ذوق نیز بهره‌مند از اصل اندراج است، البته نه اندراج شهودات کثیر زیر مفاهیم، بلکه اندراج قوه شهودات زیر قوه مفاهیم. همین تعبیر بر ابهامات بحث هماهنگی آزاد می‌افزاید؛ زیرا کانت پیش از این فقط از اندراج شهود زیر مفاهیم بحث کرده است.

هدف از ذکر فقرات گفته‌شده اشاره به نحوه طرح این مفهوم از سوی خود کانت است. با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان گفت او با طرح این مفهوم بر آن است تا تجربه زیباشناختی را از تجربه شناختی

تفسیر پیش‌شناختی

مطابق با اولین تفسیر هماهنگی آزاد خیال و فاهمه حالتی ذهنی است که در آن همه شرایط لازم برای شناخت فراهم است؛ الا شرط نهایی که همان به‌کارگیری یک مفهوم مشخص برای کثرت موردنظر است (Guyer, 2006: 169). کانت معتقد است که شهودات و مفاهیم عناصر مقوم شناخت‌اند. نه شهود بدون مفهوم و نه مفهوم بدون شهود هیچ‌کدام به

دارد که معروف به دیدگاه فراشناختی است. براساس دیدگاه فراشناختی که دیدگاه خود‌گایر است، مراد کانت از هماهنگی آزاد نوعی هماهنگی خالی از مفهوم نیست؛ زیرا براساس نقد عقل محض، کانت نمی‌تواند به تصور بدون مفهوم اعتقادی داشته باشد. مراد از این نوع هماهنگی آن هماهنگی شناختی است که در حد‌اعلی اعمال شده است؛ یعنی آن هماهنگی که نظم و وحدتی را به نمایش می‌گذارد که بیش از وحدت لازم برای شناخت عین است. برای آشنایی بیشتر با این دیدگاه رک:

Guyer, Paul (2006), *the Harmony of faculties revisited*, in the book: *Aesthetic and cognition in Kant's Philosophy*, edited by Rebecca Kukla, 2006, Cambridge university press, pp. 162-194

برای آشنایی با نقد این دیدگاه رک:

Kuplen, Mojca (2013), *Guyer's interpretation of free harmony in Kant*, *postgraduate journal of aesthetics*, vol. 10, no. 2, 17-32

کرین گودسکی در مقاله خود از یک تقسیم‌بندی جدید صحبت می‌کند: تفسیر غیرزیباشناختی و تفسیر زیباشناختی. او معتقد است تفاسیر ارائه‌شده‌ای چون تفسیر پیش‌شناختی، چندشناختی و فراشناختی همگی در زیر تفسیر غیرزیباشناختی قرار می‌گیرند؛ زیرا آنها در تبیین خود از هماهنگی آزاد از اصطلاحات غیرزیباشناختی استفاده می‌کردند و توجهی به خصوصیات خاص حوزه زیباشناسی نداشته‌اند. براساس تفسیر زیباشناختی، حکم ذوقی، حکمی بی‌همتاست و شبیه به حکم شناختی نیست. شاهد این ادعا ضرورت نمونه‌ای این احکام است. در مواجهه با امر زیبا ما با مجموعه‌ای از خصوصیات زیباشناختی خاصی (نور، سایه، رنگ، ارزش رنگی و...) در اثر مواجهیم که با چیش خاص خود نوعی هماهنگی ذهنی را ایجاد می‌کند که از سنخ هماهنگی شناختی نیست و تنها مخصوص مواجهه ما با آن اثر است و قابلیت تعمیم به اعیان مشابه را ندارد. برای آشنایی با این دیدگاه رک:

Gorodeisky, Keren (2011), *A Tale of faculties*, *British Journal of Aesthetics*, vol. 51, no. 4, octobr, pp. 415-436

مرتبط کردن حالت ذهنی (هماهنگی آزاد) دخیل در تجربه زیباشناختی با شناخت در عین اعتقاد به تمایز آنها با یکدیگر، چندان سهل و ساده نیست. اگر هماهنگی آزاد به معنای دقیق کلمه خالی از مفاهیم باشد، در این صورت نمی‌تواند چندان ارتباطی با شناخت داشته باشد. از سوی دیگر اگر تجربه زیباشناختی برای نزدیک شدن به شناخت از مفاهیم استفاده کند، احساس آزادی خود را از دست خواهد داد (راجرسون، ۱۳۹۴: ۲۴). اگر برقراری ارتباط میان هماهنگی آزاد با شناخت مستلزم آن باشد که هر چیزی که ما می‌شناسیم باید از طریق هماهنگی آزاد قوا داوری شود، پس باید به این دیدگاه نامعقول معتقد باشیم که هر چیزی که داوری می‌شود زیباست (Gorodeisky, 2011: 417). نکات بیان‌شده حکایت از پیچیدگی ارتباط هماهنگی آزاد با شناخت دارد. تفاسیر و دیدگاه‌های مختلف درباره هماهنگی آزاد بر این پیچیدگی اذعان کرده‌اند و تلاش می‌کنند تا تفسیر روشن و سازگاری از این مفهوم ارائه دهند.

تفاسیر ارائه‌شده از هماهنگی آزاد

در یک تقسیم‌بندی کلی تفاسیر ارائه‌شده از هماهنگی آزاد به دو تفسیر پیش‌شناختی و چندشناختی تقسیم می‌شوند.^۲

^۱ کرن گودسکی استاد دانشگاه آبورن آمریکاست. از جمله آثار ایشان درباره زیباشناسی کانت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

"A New Look at Kant's Account of Testimony" (*The British Journal of Aesthetics*, 50 (2010): 53-70
Schematizing without a Concept – Imagine that!" in *Kant and Philosophy in a Cosmopolitan Sense* (Akten des XI. Kant-Kongresses), eds. Stefano Bacin, Alfredo Ferrarin, Claudio La Rocca, and Margi Ruffing (Berlin: Walter de Gruyter, 2010): 59-70

^۲ البته باید توجه داشت که تقسیم‌بندی ارائه‌شده تنها تقسیم‌بندی ارائه‌شده نیست؛ بلکه تقسیم‌بندی‌های دیگر نیز ارائه شده است. برای مثال می‌توان به تقسیم‌بندی سه‌قسمی گایر اشاره کرد که براساس آن علاوه بر دیدگاه پیش‌شناختی و چندشناختی دیدگاه سومی نیز وجود

(Henrich, 1992: 38)^۱). زمانی که ما با عینی زیبا مواجهیم شهودات متکثر آن عین را چنان مورد نظر قرار می‌دهیم که گویی دارای وحدت است و باید مفهومی برای آن به کار برد؛ اگرچه هیچ مفهومی نمی‌تواند برای این وحدت به کار برده شود (Crawford, 1974: 90)^۲). به عبارت دیگر در مواجهه با امر زیبا چنان به نظر می‌رسد که شناخت با موفقیت حاصل می‌شود؛ البته نتیجه حاکی از شناخت معین مفهومی نیست (کرافورد، ۱۳۸۴: ۴۳).

پس بدین ترتیب مطابق با دیدگاه پیش‌شناختی وقتی کانت ادعا می‌کند که هماهنگی آزاد هماهنگی بدون قواعد است، احتمالاً منظور آن است که کثرت واقعاً قاعده‌مند است؛ اما وقتی ما مشغول ارزیابی زیباشناختی می‌شویم متوجه نیستیم که کدام قاعده آن را کنترل می‌کند. ما تنها به کیفیت صوری قاعده‌مندی علاقه‌مندیم. ما علاقه‌ای به آگاهی از این واقعیت نداریم که چه قاعده‌ای نظم کثرت را مشخص می‌کند (راجرسون، ۱۳۹۴: ۲۰). داور مبتنی بر هماهنگی آزاد در واقع همان جست‌وجوی قاعده‌مندی کثرت است اما از آن رو که دغدغه‌های شناخت ما به حالت تعلیق در می‌آید، ما با به‌کارگیری مفاهیم به هدف

^۱ دیتز هنریش استاد بازنشسته دانشگاه مونیخ و یکی از معروف‌ترین کانت‌شناسان آلمانی است. مهم‌ترین اثر ایشان در حوزه زیباشناسی کانت عبارت است از:

Aesthetic Judgment and Moral Image of the World, Stanford University Press, 1992.

^۲ دونالد کرافورد، استاد بازنشسته دانشگاه سنت باربارا، یکی از کانت‌پژوهانی است که در دانشنامه زیباشناسی (۱۳۸۴) منتشر شده به زبان فارسی در انتشارات فرهنگستان هنر مدخلی با عنوان کانت از او منتشر شده است. مهم‌ترین اثر مستقل ایشان درباره کانت عبارت است از:

Kant's Aesthetic Theory. University of Wisconsin Press, 1974.

شناخت منجر نمی‌شوند. مطابق با مباحث نقد عقل محض حساسیت و فاهمه هردو برای شناخت ضروری‌اند؛ یعنی داده‌های حسی یا شهودها باید با مفاهیمی که قواعد کلی برای نظم امور محسوس هستند، ترکیب شوند تا شناخت حاصل شود. در تجربه زیباشناختی خیال کثرت تصورات را درست همان‌گونه که در فرایند شناخت حاکم است، تلفیق می‌کند؛ اما این عمل خیال به‌وسیله هیچ مفهوم خاصی از فاهمه هدایت نمی‌شود (Ginsborg, 1991: 304).

مطابق با این تفسیر که معروف به تفسیر پیش‌شناختی است، احکام ذوقی مبتنی بر هیچ مفهومی اعم از تجربی و مقولی نیست؛ بلکه تنها مبتنی بر فرم محض عین یا تصور آن است (Kuplen, 2013: 22). در این رویکرد، هماهنگی آزاد پیش از مفهوم‌سازی واقعی شهود اتفاق می‌افتد. می‌توان هماهنگی آزاد قوا را نوعی هماهنگی شبیه به هماهنگی موجود در شناخت تلقی کرد؛ البته با این قید که ما در تجربه زیباشناختی قاعده‌مندی مشخص عین را در یک فرایند طبیعی درک و یا دقیق‌تر احساس می‌کنیم؛ بدون اینکه نسبت به آن آگاهی داشته باشیم. تنها بعد از فرایند مقایسه، تأمل و انتزاع می‌توانیم به قاعده صریح نائل شویم که همان مفهوم آن عین است (همان، ۳۰) (Ginsborg, 1991: 167).

پس در تجربه زیباشناختی ما با نوعی فرایند شناختی (شناختی به معنای عام کلمه و نه شناختی - مفهومی که مترادف با ادراک است) مواجهیم که بسیار نزدیک و شبیه به فرایند ادراک است. این فرایند شبه‌شناختی مقدم بر فرایند شکل‌گیری مفهوم است (البته این دو فرایند کاملاً منطبق با هم هستند)

مشخص ندارد. هر دوی این ادعاها گویای آن است که هماهنگی آزاد قوا حالتی است که به لحاظ منطقی و حتی زمانی، مقدم بر شناخت معمولی است و بنابراین باید به عنوان حالتی درک شود که در آن وحدت کثرت پیش از به کارگیری مفهوم برای آن (در حالتی کاملاً آگاهانه)، در یک فرایند طبیعی و ناآگاهانه احساس شود. شرط حیاتی و سوژکتیو برای به کارگیری قوه حاکمه دقیقاً تحقق همه شرایط لازم برای شناخت است؛ جز به کارگیری مفهومی مشخص برای کثرت.

تفسیر چندشناختی

مطابق با تفسیر دوم که معروف به تفسیر چندشناختی است، بازی آزاد قوای شناختی همه شرایط احکام شناختی را دارد؛ البته به یک شیوه نامشخص. یک عین زیبا حاکی از کثرتی گشوده یا نامشخص از مفاهیم برای شهودات کثیر ارائه شده است که به ذهن اجازه می‌دهد تا در میان شیوه‌های متفاوت ادراک یک عین به صورت بازی وار و لذت‌بخش در حرکت باشد؛ بدون اینکه مقید به یک شیوه خاص در ادراک باشد (Guyer, 2006: 166). پس مطابق با این خوانش بازی آزاد در میان کثرتی از مفاهیم ممکن و در نتیجه شناخت‌های عرضه شده به وسیله عین زیبا در جریان است. خیال در بازی آزاد به واسطه اینکه فاهمه را با امکانات مفهوم تازه‌ای مشغول می‌سازد تحریک می‌کند (Allison, 2001: 171).

به طور کلی بر اساس این تفسیر نباید هماهنگی آزاد را نوعی هماهنگی جدا شده از مفاهیم یا به نحوی عاری از هرگونه مفهوم در نظر گرفت؛ بلکه باید به گونه‌ای کاملاً متفاوت ادعا کرد که در جریان این هماهنگی می‌توان برخی مفاهیم متفاوت را برای یک

خود نمی‌رسیم و قاعده‌مندی یک شیء را با اشیاء دیگر مقایسه نمی‌کنیم. تأمل زیباشناختی با قاعده‌مندی به خودی خود سروکار دارد؛ در حالی که حکم شناختی بیشتر علاقه‌مند به مشخص کردن شباهت یک عین با اعیان دیگر است (Allison, 2001, 188).

دیتر هنریش، دونالد کرافورد، هانا گینسبورگ و آلیسون از جمله معروف‌ترین شارحان معتقد به دیدگاه پیش‌شناختی محسوب می‌شوند. آنها به طور کلی برای تأیید ادعای خود به متنی از مقدمه اول و چاپ نشده استناد می‌کنند که کانت در آن اعلام می‌کند:

«یک حکم صرفاً تأملی در مورد عینی منفرد و مشخص، تنها در صورتی زیباشناختی است که قوه حکم (پیش از مقایسه آن عین با اعیان دیگر) که مفهومی برای شهود معین ندارد، خیال (صرفاً برای ادراک عین) و فاهمه (برای ارائه مفهوم به طور کلی) را در اختیار داشته باشد و نسبت دو قوه شناختی را درک کند. این نسبت شرط حیاتی و سوژکتیو برای به کارگیری عینی قوه حاکمه به طور کلی محسوب می‌شود» (Kant, f1, VIII, 20: 223-4).

بنا بر قرائت پیش‌شناختی کانت در این عبارات ادعا می‌کند که تنها خیال (و نه فاهمه) در ادراک عین دخیل است و قوه حکم هیچ مفهومی برای شهود

^۱ هنری آدیسون یکی از برجسته‌ترین کانت‌شناسان معاصر و استاد بازنشسته دانشگاه بوستون است. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Kant's Theory of Taste: A Reading of the Critique of Aesthetic Judgment (Modern European Philosophy), Cambridge, 2001.

Kant's Transcendental Idealism: An Interpretation and Defense, Yale University Press, 2004

Kant's Groundwork for the Metaphysics of Morals: A Commentary, Oxford University Press, 2011

Kant's theory of freedom, Cambridge University Press, 2012

مشخصی از عین لازم نیست و هیچ مفهومی نیز از آن حاصل نخواهد شد» (Ibid:220-1).

در هردو متن گفته شده به نوعی ارائه مفهومی (اگرچه نامشخص) اشاره می‌شود. طرفداران دیدگاه چندشناختی این عبارت را به این معنا تعبیر کرده‌اند که تجربه زیباشناختی می‌تواند حکایت از مفاهیم کثیری داشته باشد، بدون اینکه مجبور باشد یکی از آنها را انتخاب کند (Guyer,2006:172).

کروتر به‌عنوان یکی از شارحان معتقد به دیدگاه چندشناختی صریحاً ادعا می‌کند که حکم ذوقی نوعی خاص از حکم شناختی است (Crowther,2010:73).^۲ او به عبارتی استناد می‌کند که کانت در آن بیان می‌کند که برخی از فرآورده‌های پرشمار طبیعت به‌واسطه تنوع و وحدتشان به تقویت و حفظ قوای ذهنی (که با به‌کاربردن این قوه به بازی درمی‌آیند) خدمت می‌کنند (کانت، ۱۳۸۱، ۳۱۱). از نظر کروتر اعیان زیبا دارای تنوعی (کثرتی) از اجزاء، بافت و جزئیات ظاهری (مانند رنگ یا شیوه‌های انعکاس نور) هستند و می‌توان آنها را به صورت‌های مختلف در ادراک زیباشناختی وحدت بخشید. قانون‌مندی فاهمه تنها و تنها به معنای توانایی آن برای مفهوم‌سازی است. این مفهوم‌سازی از طریق وساطت مقولات و طبقه‌بندی بر حسب خصوصیات تجربی مرتبط حاصل می‌شود (Crowther,2010:75). حتی نمود اعیانی که دارای فرم مشخصی‌اند می‌تواند به شیوه‌های مختلف وحدت بیابد. پس در حکم تأملی

کثرت به کار برد. رابطه خیال و فاهمه در تجربه زیباشناختی آزاد از مفاهیم است؛ به این معنا که در این ارتباط از هرگونه مفهومی که نظم کثرت را به‌دقت مشخص می‌کند آزاد است. ما آزادانه در کثرتی از مفاهیم ممکن شناوریم. حکم ذوقی شبیه به احکام شناختی است از این حیث که در این نوع حکم نیز از مفاهیم استفاده می‌شود. اما در حالی که احکام شناختی کثرت را زیر یک مفهوم درج می‌کند، احکام ذوقی از یک مفهوم مشخص استفاده نمی‌کند؛ بلکه با کثرتی از آنها مشغول بازی می‌شود و از همین رو ادراکات متفاوتی از فرم ارائه می‌دهد (Kuplen,2013:22).

طرفداران دیدگاه چندشناختی برای تأیید خوانش خود عمدتاً به دو متن از مقدمه اول نقد قوه حکم استناد می‌کنند (Rush,2001:58):^۱

«با قوه حاکمه ما غایت‌مندی را درک می‌کنیم تا آنجایی که بر یک عین مشخص تأمل می‌کنیم... تا شهود تجربی آن عین را زیر مفهومی (اگرچه نامشخص) درک کنیم» (Kant, f1, VII, 20:220).

«اگر فرم یک عین مشخص در شهود تجربی چنان تقویم شده باشد که متخیله در ادراک کثرت آن با ارائه یک مفهومی از فاهمه منطبق باشد (اگرچه این مفهوم نامشخص باشد)، پس فاهمه و متخیله در تأمل محض به‌صورت متقابل برای پیش‌برد کارشان منطبق خواهند بود و عین صرفاً برای قوه حاکمه غایت‌مند درک می‌شود. برای این نوع غایت‌مندی هیچ مفهومی

^۲ پل کروتر استاد دانشگاه ملی ایرلند، متخصص زیباشناسی بصری و از کانت‌پژوهان معاصر است. از مهم‌ترین آثار ایشان می‌توان به آثار

زیر اشاره کرد:

Phenomenology of the Visual Arts (even the frame). Stanford, CA: Stanford University Press, 2009
The Kantian Sublime: From Morality to Art. Oxford, UK: Oxford University Press, 1989

^۱ فرد راش استاد فلسفه دانشگاه نتردام است. مهم‌ترین اثر فلسفی ایشان عبارت است از:

The Cambridge Companion to Critical Theory. Cambridge University Press, 2004

حتی آنها را در یک فرایند مفهوم‌سازی براساس آنچه به‌شکل ادراکی به ما داده شده است، ایجاد کنیم (ونزل، ۱۳۹۵: ۹۹-۹۸). پس در تأمل زیباشناختی ما با نوعی ادراک مواجهیم که حتی اگر تداعی‌کننده امری مشخص به نظر برسد، بسته و مسدود نیست و کثرات آن می‌توانند به‌شیوه‌های دیگری نیز تلفیق شوند (Rush, 2001: 52).

از آن رو که کانت هماهنگی آزاد را محرکی برای شناخت می‌داند، تفسیر این هماهنگی به‌عنوان نوعی بازی که در آن با امکانات مفهومی متعدد مواجهیم، بسیار موجه و معقول به نظر می‌رسد (Guyer, 2006: 169).

جرارد سل، پل کروتر، فیونا هیوز و فرد راش از جمله معروف‌ترین شارحان دیدگاه چندشناختی محسوب می‌شوند.

نقد دیدگاه پیش‌شناختی

– قبلاً بیان شد که طرفداران این دیدگاه برای تأیید خوانش خود از هماهنگی آزاد قوا به عباراتی از مقدمه اول و چاپ‌نشده کانت متوسل می‌شوند. همان‌گونه که می‌دانیم کانت این مقدمه را پیش از چاپ اصلاح و خلاصه می‌کند. در مقدمه رسمی چاپ‌شده عبارات مورد استناد گفته‌شده حذف شده‌اند. پس به‌یقین استناد به آن عبارات، چندان قوی و قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. ضمن اینکه در متن نقد قوه حکم نیز عباراتی شبیه به عبارات مورد استناد یافت نمی‌شود.

– باید توجه داشت که در صورت پذیرش قرائت پیش‌شناختی و در صورت معتبر تلقی کردن مطالب مندرج در مقدمه اول، طرفداران این دیدگاه باید پاراگراف‌هایی را (در همان مقدمه اول) که کانت در

زیباشناختی فرایند ادراک یک فرایند باز و بی‌پایان است. در این فرایند نوعی بازی درونی میان مفاهیم مقولی و امکانات شاکله‌سازی گشوده شده به‌وسیله کثرت محسوس (خصوصیات تجربی عین)، رخ می‌دهد. کروتر قانون‌مندی فاهمه به‌طور کلی را این‌چنین تعبیر می‌کند (Ibid: 77). فرم در تأمل زیباشناختی به‌گونه‌ای است که در هر توجهی امکانات بیشتری از وحدت در نمود آن آشکار می‌شود. به عبارت دیگر، سرشت آن به‌عنوان یک وحدت زیباشناختی همواره باز باقی می‌ماند (Ibid: 78). اگر بخواهیم ادعای فوق را به‌صورت ملوس بیان کنیم، باید بگوییم وقتی چیزی را مشاهده می‌کنیم، این مشاهده سبب می‌شود که توقف کنیم و بیشتر به آن نگاه کنیم. در عین حال این امر سبب می‌شود تا درباره آنچه به آن نگاه می‌کنیم بیشتر بیندیشیم. آنچه که از طریق چشم (شهود) حاصل می‌شود، مرا به تأمل بیشتر (به سمت مفاهیم، اگرچه مفاهیم نامتعینی که به شناخت منجر نمی‌شود) وامی‌دارد و سبب تداوم مشاهده می‌شود (Hughes, 2010: 49). مراد از مفاهیم مورد تأمل طیف گشوده‌ای از چیزهای ممکن و شیوه‌های متعدد به‌کارگرفته‌شده برای مشاهده شیء مورد نظر است. رضایت من از امر زیبا لذتی است که در جریان تأمل و براساس این طیف گشوده مفاهیم و ارتباط‌های ممکن حاصل می‌شود. این رضایت را هیچ مفهوم متعینی محدود نمی‌کند؛ بلکه به‌شکل بازی‌گونه‌ای در پیوند با کل طیفی از مفاهیم ممکن (اشکال، سایه‌ها، فیگورها، ژست‌ها و هر نوع خاطرات و تداعی‌ها) است که در اختیار داریم؛ یعنی مفاهیمی که به‌شکل کم‌وبیش روشن از پیش در ذهن ما حضور دارند و می‌توانیم به آنها وضوح بیشتری ببخشیم یا احتمالاً

لازم است، محقق می‌کند (قاعده‌مندی) بدون تحقق همه شرایط لازم، چرا ما نباید زیبایی را در همه موارد شناختی تجربه کنیم؟ (Guyer, 2006: 172).

پس به‌طور کلی اگر بتوان هر شیئی را به‌صورت زیباشناختی در نظر گرفت، مشخص نیست که چگونه می‌توان اعیان زیباشناختی خوب را از اعیان معمولی متمایز کرد. اگر بتوان از لحاظ نوعی تمایزی را میان اعیانی که آزادانه هماهنگ‌اند و آنهایی که چنین نیستند قائل شد، پس تمایز اعیان زیباشناختی از اعیان غیرزیباشناختی واضح و روشن می‌شود. اما چنین چیزی براساس رویکرد پیش‌شناختی ممکن نیست (راجرسون، ۱۳۹۴: ۲۸).

- همان‌گونه که بیان شد مطابق با دیدگاه پیش‌شناختی می‌توان اصل قاعده‌مندی عین زیبا را بدون به‌کارگیری قاعده‌ای خاص احساس کرد. این نظریه یکی از اعتقادات کانت را در نقد عقل محض نقض خواهد کرد که کثرت تصورات به‌وسیله قاعده به هم می‌پیوندند (همان: ۲۳).

نقد دیدگاه چندشناختی

- در نقد و بررسی دیدگاه چندشناختی نخست باید به این واقعیت اشاره کرد که طرفداران این دیدگاه برای تأیید خوانش خود عمدتاً به دو پاراگراف از مقدمه اول یا همان مقدمه چاپ‌نشده کانت استناد می‌کنند. همان‌گونه که می‌دانیم کانت این مقدمه را پیش از چاپ اصلاح و خلاصه می‌کند. توجه به این امر جالب است که دو پاراگراف یادشده در نسخه نهایی مقدمه حذف می‌شوند. از سوی دیگر در بدنه اصلی نقد قوه حکم هیچ شاهدهی برای تأیید این ادعا یافت نمی‌شود که در تجربه زیباشناختی ما با کثرتی

آنها اعلام می‌کند که تجربه زیباشناختی به یک مفهوم (اگرچه نامشخص) منجر می‌شود (این عبارات همان عباراتی‌اند که طرفداران دیدگاه چندشناختی به آنها استناد می‌کنند) به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت تفسیر کنند. به عبارت دیگر در صورت پذیرش اعتبار مقدمه اول کانت، رویکرد پیش‌شناختی به‌اندازه رویکرد چندشناختی معتبر است. هیچ‌کدام از شارحان معتقد به رویکرد پیش‌شناختی به نکته یادشده توجه نداشته‌اند.

- همان‌گونه که بیان شد، دیدگاه پیش‌شناختی معتقد است ما در داوری زیباشناختی نظم امور متکثر را در یک فرایند طبیعی درک می‌کنیم بدون اینکه از این درک و دریافت خودآگاهی داشته باشیم و یا آن را با اعیان دیگر مقایسه کنیم (بدون به‌کارگیری قاعده). در صورت اعتقاد به چنین دیدگاهی دیگر نمی‌توان به تمایز میان اعیان معمولی و اعیان زیباشناختی معتقد بود. اگر دریافت زیبایی برابر با دریافت یک عین بدون توجه به مفهوم و اعیان مشابه باشد، در این صورت می‌توان در تمامی اعیان موجود در عالم به همین منوال تأمل کرد. می‌توان همه اعیان متعلق به شناخت را به‌گونه‌ای مد نظر قرار داد که گویی برای اولین بار با آنها مواجهیم و از همین رو در صدد مقایسه آنها با اعیان مشابه نیستیم. ما می‌توانیم درخت خاصی، مثلاً بید، را از حیث قاعده‌مندی کثرتش مورد توجه قرار دهیم؛ بدون آگاهی از مفهوم یا قاعده آن و بدون توجه به اینکه آیا این قاعده در مصداق دیگری از تجربه ما نشان داده شده است یا نه. به عبارت دیگر اگر احساس ما از زیبایی در یک کثرت متعین واکنشی است به این واقعیت که آن وضعیتی را که برای شناخت واقعی

نقد قوه حکم است. همان‌گونه که در مقاله بیان شد تمام چالشی که برای کانت در بحث از هماهنگی آزاد قوای شناختی ایجاد می‌شود، مرتبط با بحث کلیت احکام زیباشناختی است. با اینکه او زیبایی را سوپزکتیو می‌داند، آن را بهره‌مند از کلیت می‌داند. او معتقد است احکام زیباشناختی برخلاف احکام ناظر به امر مطبوع، برای همگان معتبرند و از همین رو ما توافق دیگران را مطالبه می‌کنیم. در صورت پذیرش دیدگاه چندشناختی ما با نوعی رویکرد تفسیری مواجهیم که وصول به اعتبار کلی در آن اگر دست‌نیافتنی نباشد، دست‌کم بسیار دشوار خواهد بود. به عبارت دیگر اگر فکر کنیم که منظور کانت از هماهنگی آزاد خیال و فاهمه آن باشد که ما در ارزیابی عین زیبا آزادیم که آن را به‌صورت نمایش‌دهنده نظم‌های مختلف (و نه یک نظم خاص) مد نظر قرار دهیم، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که افراد دیگر باید همانند من نظمی مشخص را در یک عین زیباشناختی تشخیص دهند. انگیزه اصلی کانت در برقراری شباهت میان هماهنگی آزاد با شناخت، به نوعی تأمین کلیت احکام زیباشناختی است. در صورت اعتقاد به تفسیر چندشناختی کلیت زیر سؤال خواهد رفت (راجرسون، ۱۳۹۴: ۲۵).

نتیجه‌گیری:

- کانت تجربه زیباشناختی را از تجربه شناختی و اخلاقی متمایز می‌کند. داوری امر زیبا عاری از هرگونه مفهوم است و کاملاً سوپزکتیو. این داوری حاوی نوعی اعتبار کلی زیباشناختی است.
- کانت برای توجیه و تبیین کلیت احکام ذوقی (که سوپزکتیوند) معتقد است که لذت زیباشناختی مبتنی بر حالت ذهنی هماهنگی آزاد است. استفاده

از مفاهیم مواجه هستیم. کانت در جای‌جای اثرش صریحاً اعلام می‌کند که دریافت زیبایی نیازمند هیچ مفهومی (اعم از متعین و نامتعین) نیست. کانت در بحث از آثار هنری نیز با اینکه معتقد است که اثر هنری دارای مضمون و محتوا (ایده‌های زیباشناختی) است؛ اما به هیچ وجه بیان نمی‌کند که تجربه زیباشناختی در هنر عبارت است از بازی میان کثرتی از مفاهیم ممکن.

- از سوی دیگر کانت در هیچ‌کدام از مثال‌های خود درباره زیبایی (اعم از زیبایی آزاد و مقید) و تجربه ما از آنها اعلام نمی‌کند که کثرتی از مفاهیم نامتعین یا امکانات مفهومی در تجربه زیباشناختی ما درگیر و دخیل است. حتی وقتی او از نوعی زیبایی (زیبایی مقید) بحث می‌کند که در آن مفهوم دخیل است، تنها از یک مفهوم و نه مفاهیم متعدد صحبت می‌کند.

- از قائلین به دیدگاه چندشناختی می‌توان پرسید که در صورت پذیرفتن تجربه زیباشناختی به‌عنوان تجربه‌ای که درگیر مفاهیم متعدد نامتعین است، چرا باید نوسان و حرکت در لابه‌لای این کثرت نامتعین لذت‌بخش باشد؟ به نظر می‌رسد این تحرک در کثرت مفهومی بیشتر شبیه سردرگمی میان پاسخ‌های متعددی است که به یک سؤال داده می‌شود و همگی موجه به نظر می‌رسند؛ اما در عین حال هیچ‌کدام به معنای دقیق کلمه صحیح نیستند. این حالت نوعی سردرگمی و پریشانی را ایجاد می‌کند. گایر این سردرگمی را شبیه به بختک و کابوسی می‌داند که نه تنها لذت‌بخش نیست، بلکه ممکن است آزاردهنده نیز باشد (Guyer, 2006: 177).

- مشکل اصلی که رویکرد چندشناختی با آن مواجه است ناسازگاری آن با دغدغه اصلی کانت در

باشیم، توجیه و تبیین هم‌زمان آزادی و کلیت در حکام ذوقی بسیار پیچیده و دشوار خواهد بود.

○ به نظر می‌رسد در صورت پذیرش دیدگاه چندشناختی باید به این دیدگاه معتقد باشیم که تنها اعیان و آثار پیچیده‌ای که قابلیت تفسیرپذیری دارند و می‌توان از زوایای مختلف آنها را مورد توجه قرار داد، زیبا محسوب می‌شوند. در این صورت صحبت از زیبایی آثار ساده، پوچ و بی‌معنا خواهد بود.

○ به نظر می‌رسد که دلیل اصلی موفق نبودن تفسیرهای بیان‌شده در جست‌وجوی شباهت میان شناخت مفهومی و تجربه زیباشناختی باشد. تفسیر پیش‌شناختی با اینکه تجربه زیباشناختی را شناختی نمی‌داند؛ اما بر نوعی آگاهی طبیعی در این تجربه اذعان می‌کند. تفسیر چندشناختی نیز صراحتاً بر شناختی بودن (البته در حالت چندگانه) تجربه زیباشناختی اصرار می‌کند. عنصری چون آگاهی طبیعی و پیش‌مفهومی در رویکرد اول سبب ایجاد مشکلی چون «همه‌چیز می‌تواند چنین تجربه شود، پس همه‌چیز زیباست» می‌شود. در رویکرد دوم نیز دخالت فرایند شناخت در تجربه زیباشناختی سبب از دست رفتن کلیت احکام ذوقی می‌شود. اگر کانت تجربه هماهنگی آزاد را صریحاً ناظر به خصوصیتی عینی در اعیان خارجی می‌دانست و نه خصوصیتی ذهنی چون غایتمندی بدون غایت، شاید می‌توانستیم مشکل کلیت احکام ذوقی را آسان‌تر از میان ببریم. شاید اشاره به ایده‌های زیباشناختی (که لزوماً ایده‌های اخلاقی‌اند) در بخش‌های پایانی بخش اول (نقد قوه حکم) به دلیل اجتناب از همین مشکل اضافه شده باشد. کانت در این بخش‌ها

از مفهوم هماهنگی آزاد به دلیل برقراری شباهت تجربه زیباشناختی با فرایند شناخت است که مبتنی بر هماهنگی محدود قواست. این شباهت انتقال‌پذیری احکام ذوقی را ممکن می‌کند.

○ کانت توضیح چندان روشن و واضحی درباره مفهوم هماهنگی آزاد قوای شناختی و ارتباط آن با شناخت ارائه نمی‌دهد. به همین دلیل برخی از شارحان تلاش کرده‌اند تا با ارائه تفاسیر منطبق با کلیت فلسفه او، مشکلات ناشی از این مفهوم را برطرف کنند.

○ هیچ عبارت مستندی در نقد قوه حکم برای توجیه دیدگاه پیش‌شناختی وجود ندارد. این تفسیر به دلیل موفق نبودن در تمایزگذاری میان اعیان معمولی و اعیان زیباشناختی، نمی‌تواند به صورت معقول مفهوم هماهنگی آزاد را تبیین کند. در صورت اعتقاد به این دیدگاه می‌توان همه اعیان را زیبا ارزیابی کرد.

○ هیچ عبارت مستندی در نقد قوه حکم برای تأیید دیدگاه چندشناختی وجود ندارد. این تفسیر به دلیل موفق نبودن در تأمین کلیت حکم ذوقی عاجز از توجیه معقول مفهوم هماهنگی آزاد قوای شناختی است. رویکرد چندشناختی رویکرد تفسیری است که در آن ممکن است افراد مختلف کیفیات زیباشناختی متفاوتی را مد نظر قرار دهند.

○ اگر تفسیر پیش‌شناختی را بپذیریم، ترسیم شباهت هماهنگی آزاد با شناخت و در عین حال تمایز دقیق آنها با همدیگر بسیار دشوار خواهد بود. از سوی دیگر اگر براساس تفسیر چندشناختی، معتقد به دخالت مفهوم یا مفاهیم در داوری زیباشناختی

- Allison, Henry (2001), *Kant's Theory of Taste: a Reading of the Critique of Aesthetic Judgment*, Cambridge.
- Crowther, Paul (2010), *the Kantian Aesthetic: from Knowledge to Avant-Garde*, Oxford.
- Crawford, Donald (1974), *Kant's Aesthetic Theory, Madison: University of wisconsin Press*.
- Ginsborg, Hannah (1991), on the Key to Kant's critique of taste, *pacific philosophical quarterly*, no.72,290-313.
- Gorodeisky, Keren (2011), A Tale of faculties, *British Journal of Aesthetics*, vol.51,no.4,octobr ,pp. 415-436
- Guyer, Paul (2006), *the Harmony of faculties revisited, in the book: Aesthetic and cognition in Kant's Philosophy*, edited by Rebecca Kukla, 2006, Cambridge university press. pp. 162-194
- Henrich, Dieter (1992), *Aesthetic Judgment and Moral Image of the World*, Stanfrd University Press.
- Hughes, Fiona (2010) *Kant's Critique of Aesthetic Judgment*, Continuum.
- Kant, Immanuel (2000), *Critique of the Power of Judgment*, translated by P. Guyer and E. Matthews, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kuplen, Mojca (2013), Guyer interpretation of free harmony in Kant, *postgraduate journal of aesthetics*, vol.10, no.2, 17-32
- Rush, Fred (2001), the harmony of faculties, *Kant studien* 92, no.1:38-61.

معتقد است آثار هنری ایده‌های اخلاقی را به صورت غیرمستقیم و از طریق تمثیل به نمایش می‌گذارند. ما در مواجهه با آثار هنری به صورت احساسی و شاید شهودی از این مفاهیم عقلی آگاه می‌شویم؛ اما این آگاهی ما از سنخ آگاهی مفهومی (فاهمه) که کانت معتقد است باید از تجربه زیباشناختی بیرون رانده شود، نیست. پس تجربه زیباشناختی حکایت از نوعی شناخت دارد و مستلزم نوعی هماهنگی آزاد قوا است و در عین حال شناختی به معنای مطرح شده در عقل محض نیست.

منابع:

- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۱)، *نقد قوه حکم*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، انتشارات نی.
- کرافورد، دونالد (۱۳۸۴)، *کانت در کتاب دانشنامه زیباشناسی*، ترجمه جمعی از مترجمان، انتشارات فرهنگستان هنر.
- راجرسون، کنت (۱۳۹۴)، *زیباشناسی کانت*، هماهنگی آزاد خیال و فاهمه، ترجمه علی سلمانی، انتشارات حکمت.
- ونزل، هلموت (۱۳۹۵)، *مسائل و مفاهیم کلیدی زیباشناسی کانت*، ترجمه داوود میرزایی، مانیا نوریان، انتشارات حکمت.